

بررسی نقش جماعت اهل حق استان کرمانشاه در حماسه دفاع مقدس (با تأکید بر دلایل همگرایی مردم اهل حق در دوران دفاع مقدس)

مرادعلی محمدی^۱، طهماسب علیپوریانی^۲، مسعود اخوان کاظمی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۵

چکیده: در جریان جنگ تحمیلی، گروه‌های مختلفی از مردم در این دفاع ملی مشارکت داشتند که از جمله آنها می‌توان به شرکت مردمانی از جماعت «اهل حق» استان کرمانشاه اشاره نمود. این مقاله با هدف تبیین نقش و جایگاه اهل حق استان کرمانشاه در هشت سال دفاع مقدس و به دنبال تبیین دلایل همگرایی آنها در این حماسه تدوین شده است. برای دستیابی به این اهداف از روش کتابخانه‌ای، مصاحبه با نخبگان و پیمایش میدانی اقدام به جمع‌آوری اطلاعات شده، سپس با تجزیه و تحلیل اطلاعات بر اساس تحلیل محتوا و در بخش کمی از تحلیل آماری بهره‌گیری شده، یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که اگرچه در ابتدای جنگ تحمیلی، حزب بعث عراق توانست گروهی از آنها را به عنوان «مهاجمین» به منظور؛ مین‌گذاری، آدم‌ربایی، خرابکاری و سایر اعمال تروریستی به کارگیری کند، اما مسئولین ذیربط با انجام فعالیت‌ها و اقدامات اساسی توانستند این تهدید را به فرصت تبدیل نموده و ضمن جلوگیری از گسترش فعالیت خرابکارانه، از توان نیروهای اهل حق در راستای تأمین امنیت منطقه و استقرار آنها در خطوط پدافندی در مقابل ارتش بعث عراق و همچنین انجام عملیات‌های آفندی استفاده نمایند. بر اساس این پیمایش، مهمترین دلایل همگرایی مردم اهل حق، «مشتراکات دینی»، «هدایت و رهبری و توجه فراگیر امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) به وحدت بین مردم با مذاهب مختلف»، «سلحشوری و وطن دوستی مردم غرب کشور در دفاع سرزمینی و حفظ تمامیت ارضی» و «فرهنگ رفتاری فرماندهان و کارکنان سپاه پاسداران» مشخص گردیده است.

واژگان اصلی: اهل حق، استان کرمانشاه، دفاع مقدس، همگرایی، منازعات قومی - مذهبی.

۱. دانش آموخته دکتری علوم سیاسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول) gmohebin@gmail.com

۲. استادیار علوم سیاسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

۳. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

مقدمه

در هنوز بیست ماه از عمر انقلاب اسلامی ایران نگذشته بود که ارتش صدام با حمایت قدرت-های بزرگ جهانی به ایران اسلامی هجوم آورد و جنگ نابرابری را بر ملت ایران تحمیل نمود. با هجوم اولیه دشمن، بیشتر نقاط مهم مرزی سقوط کرد؛ اما ارتش عراق به هر شهری که رسید متوقف شد و یک جنگ جدیدی به نام «جنگ شهرها و مقاومت مردمی» شروع شد. در جنوب غربی کشور این مقاومت‌ها عمدتاً در خرمشهر، هویزه، سوسنگرد، بستان، آبادان و در غرب کشور نیز این مقاومت‌ها در تصرف شهرهای قصرشیرین، سرپل ذهاب و گیلانغرب انجام گرفت. مردم به همراه نیروهای نظامی آنچنان مقاومت نمودند که دشمن نتوانست به بعضی از این شهرها خصوصاً شهر گیلانغرب وارد شود. در شهر سرپل ذهاب نیز اگر چه دشمن توانست به داخل شهر نفوذ کند، اما توان مقاومت در مقابل رزمندگان را نداشت و در همان روز ورود به شهر، مجبور به عقب نشینی گردید. در ادامه نبرد، عملیات‌های متعددی توسط رزمندگان اسلام متشکل از نیروهای مسلح و نیروهای مردمی انجام گرفت که منجر به بیرون راندن دشمن از مناطقی از نقاط اشغالی استان کرمانشاه گردید. رزمندگان این استان علاوه بر عملیات‌های مذکور، در جبهه‌های جنوب و شمال غرب نیز حضور پیدا کرده و همراه و هماهنگ با دیگر رزمندگان اسلام در آزاد سازی نقاطی از آن مناطق و همچنین عملیات‌های برون مرزی علیه دشمن نقش موثری داشتند.

استان کرمانشاه طی هشت سال مقاومت و پایداری در دفاع مقدس ۹۸۰۰ شهید، بیش از ۱۹ هزار جانباز، ۱۷۸۰ آزادهٔ سرفراز و اعزام بیش از ۱۵۰ هزار نیروی بسیجی مردمی از اقشار مختلف استان را در کارنامهٔ افتخارآفرین خود دارد. (محمدی، ۱۳۹۸: ۴) اما نکته اساسی که نقش این استان مرزنشین را در دفاع از کیان اسلامی و ملی برجسته نمود معطوف به ترکیب منحصر به خود این استان است به طوری که می‌توان گفت؛ استان کرمانشاه آئینهٔ تمام نمای زیست تمام گروه‌ها و فرقه‌های دینی مذهبی و نیز اقوام گُرد، لک، لُر، فارس، ترک و نیز به جهت مذهبی از شیعه، سنی و اهل حق گرفته تا مسیحی، کلیمی و ارمنی با موقعیت ممتازی کرمانشاه را پُررنگ نموده و هشت سال دفاع مقدس از این جهت قابل تأمل جدی یک پژوهش بی‌طرف است که علی‌الظاهر این وضعیت بحرانی می‌توانست زمینه‌های واگرایی و جبهه‌گیری اقوام و مذاهب باشد در حالی که مطالعه هر یک از این اقوام و مذاهب می‌تواند صدق و کذب چنین چشم انداز منفی را بر ملا کند، لذا تحقیق حاضر با تمرکز بر جمعیت اهل حق استان کرمانشاه به دنبال پاسخ به این سؤال است:

نقش و جایگاه مردم اهل حق استان کرمانشاه و دلایل همگرایی آنها در حماسه هشت سال دفاع مقدس کدامند؟

مهمترین ضرورت و اهمیت این پژوهش می‌تواند جلوگیری از تحریف و فراموش شدن حقایق و وقایع دفاع مقدس و تهیه محتوای روایت این واقعه مهم و جلوگیری از مبالغه و یا کم‌گویی در موضوع مورد پژوهش باشد که در راستای محورهای «تأمین امنیت ملی و حفظ تمامیت ارضی کشور»، «ضرورت شناخت وضعیت و مقدرات استان‌های مرزی» و «توان افزایش قدرت نظام جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدات مختلف در مرزهای کشور» نقش موثری ایفاء می‌نماید.

۱- پیشینه تحقیق

با بررسی سوابق پژوهش مشخص شد تا زمان حاضر، پایان‌نامه، کتاب یا مقاله‌ای که در بر دارنده محتوی و عنوان این پژوهش باشد ارائه نشده است. منابع معدودی که در زمینه «نقش استان کرمانشاه در حماسه هشت سال دفاع مقدس» وجود دارد محدود به انجام عملیات‌های نظامی در حوزه مرزی استان کرمانشاه و یا اینکه به صورت پراکنده در بعضی از کتابها و مقالات به نقش بعضی از اقشار آن هم به صورت یک نوشتار ساده و بدون چارچوب علمی پرداخته شده است و در منابع دیگری نیز به مقاومت‌های اولیه مردمی در ابتدای شروع جنگ تحمیلی و یا شرحی از عملیات‌های نظامی در جغرافیای استان کرمانشاه اشاره شده است، از جمله این آثار:

حسینی (۱۳۸۷) در کتاب «تاریخ نظامی جنگ تحمیلی و روابط تاریخی ایران و عراق» به برخوردهای مرزی قبل از آغاز جنگ تحمیلی و مقایسه توانایی‌های راهبردی ایران و عراق قبل از آغاز جنگ اشاره دارد که در موضوع مورد پژوهش ورود نکرده است.

شربت‌ی و پیری (۱۳۹۱) در کتاب آشنایی با علوم و معارف دفاع مقدس که به عنوان منبع درسی دو واحد درس دانشگاهی تدریس می‌شود به مقاطع مختلف دفاع مقدس و نتایج و دستاوردهای آن پرداخته شده و در بخش‌هایی از آن به مباحث جنگ در استان کرمانشاه به صورت خلاصه اشاره داشته‌اند در نتیجه می‌تواند راهنمایی برای ورود به بحث‌های موضوع مورد تحقیق باشد.

دری (۱۳۸۷) در کتاب «کرمانشاه در جنگ» شرحی خلاصه از عملیات‌های دفاع مقدس در جغرافیای استان کرمانشاه آمده است، اما صرفاً در موضوع نظامی ورود پیدا کرده است و اشاره‌ای به دیگر جنبه‌های جنگ و نقش مردم استان کرمانشاه در این کتاب نشده است.

زارعی (۱۳۹۴) در کتاب «از کوه های کاتو تا کانال ماهی» با خاطرات سردار کوروش آسیابانی که به بررسی عملیات‌های غرب و جنوب دوران دفاع مقدس پرداخته است آشنا می شویم. منصوره لاریجانی (۱۳۸۷) در کتاب «آشنایی با دفاع مقدس» به بررسی زمینه های آغاز جنگ تحمیلی، تاریخ دفاع مقدس، نقش رهبری‌های حضرت امام(ره) و عملیات‌های رزمندگان اسلام در شمال غرب، غرب و جنوب پرداخته شده است که در خصوص کلیات مربوط به وقایع استان می توان از آن بهره برداری کرد.

خدا بنده (۱۳۸۴) در کتاب شناخت فرقه اهل حق به تاریخچه و شناخت تاریخی و گسترش این فرقه در سطح کشور پرداخته است که می تواند در تهیه بخش هایی از ادبیات تحقیق مورد استفاده قرار گیرد.

در هیچ کدام از آثار مشروحه در مورد " نقش جماعت اهل حق استان کرمانشاه در حماسه هشت سال دفاع مقدس که در بر گیرنده نقش مردم و عوامل موثر در همگرایی آنها در حماسه هشت سال دفاع مقدس باشد، پرداخته نشده است. لذا تلاش می شود در این مقاله جوانب موضوع مورد بررسی قرار گرفته و به سوالات پژوهش پاسخ داده شود.

۲- روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش توصیفی- تحلیلی بوده و با استفاده از روش‌های کتابخانه ای و میدانی (مصاحبه و پرسشنامه با تکنیک پیمایشی) اقدام به جمع آوری اطلاعات شده است. پس از جمع آوری اطلاعات و دسته بندی آنها با استفاده از روش تحلیل محتوا و در بخش هایی نیز به صورت آماری تحلیل لازم از اطلاعات مربوطه به عمل آمده است، ۲۵۰ نفر از فرماندهان و اشخاص موثر در دفاع مقدس با مذاهب مختلف در جغرافیای استان کرمانشاه جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می دهند. جامعه نمونه نیز شامل ۶۰ عضو از جامعه آماری است که محاسبه آن از طریق «فرمول کوکران در جامعه محدود» انجام گرفته است و بصورت تلفیقی (طبقاتی و تصادفی) از جامعه آماری انتخاب شده اند.

۳- چارچوب نظری

چارچوب نظری هر تحقیق در واقع بیان کننده پایه علمی مساله مورد سوال و تبیین گر مسیر علمی حل جواب به سوالات تحقیق است. لذا بنا به موضوع مورد سؤال در این تحقیق که به دنبال

تبیین نقش جماعت اهل حق و دلایل همگرایی آنها در دفاع مقدس است می‌توان مباحث زیر را به عنوان ابعاد نظری موضوع بیان نمود.

۳-۱- شناخت فرقه اهل حق (یارستان):

یکی از مسلک‌های رایج در کردستان و کرمانشاه «یارسان» یا «اهل حق» است که عده‌ای آن را به غلط علی‌اللهی می‌خوانند و مسلک آنان مجموعه‌ای است از؛ عقاید ویژه که تحت تاثیر عقاید زردشتی، مزدکی، مائوی، مسیحی، کلیمی و افکار فرق غالی در هم آمیخته است. ظهور مسلک یارستان نوعی مقاومت در برابر اعراب بخصوص بنی‌عباس بوده زیرا این مسلک در آغاز بوسیله «بهلول ماهی» متوفی سال ۲۱۹ هجری بوجود آمده است. او از یاران امام جعفر صادق (ع) بود که با هارون الرشید عباسی مبارزه می‌کرد و از این راه توانست عده‌ای از مردم لرستان و کرمانشاه را در مقابل هارون الرشید بشوراند و این مبارزه سالها ادامه داشت. (مردوخ، ۱۳۳۲: ۱۶۸)

نعمت ... جیحون آبادی مؤلف شاهنامه حقیقت، «نصیر» را مؤسس فرقه اهل حق می‌داند و می‌گوید که نصیر، غلام حضرت علی (ع) بوده است. همچنین مجید القاضی در کتاب آیین یاری می‌نویسد: «آیین یاری در قرن هشتم هجری به وسیله سلطان اسحاق در اورامان کردستان بنیانگذاری شد». نور علی الهی نیز در کتاب «برهان‌الحق» پایه گذاری آن را در قرن سوم بوسیله «شاه فضل ولی» می‌داند و تاریخ انتشار و تکامل تحکیم مبانی را بوسیله سلطان اسحاق در قرن هشتم می‌پذیرد؛ اما پیروان مذکور معتقدند که تحکیم مبانی عقیدتی و بنای خاندانها که استمرار حیات دینی آیین اهل حق بدون آن ممکن نیست توسط سلطان اسحاق انجام شد، به همین خاطر در بیشتر کتب تحقیقی همچنین در میان پیروان اهل حق او را به عنوان بنیانگذار و پیشوای اصلی خود می‌دانند.» (القاضی، ۱۳۷۳: ۱۷-۱۶)

از لحاظ تاریخی نیز این نکته قابل توجه و تأمل است که با کشته شدن ابومسلم خراسانی نهضت‌های ملی و مذهبی ضد عرب در ایران شروع شد. این نهضت‌ها در حقیقت نوعی مقاومت منفی با حکومت عرب بود که در عصر بنی‌عباس به شدت ادامه یافت و با مقاومت خلفا مواجه شد و با زحمتی فراوان سرکوب گردید. همزمان با این نهضت‌ها آیین اهل حق نیز در قرن‌های دوم، سوم و چهارم نیز ظهور و رواج یافت؛ اما در قرن هشتم با ظهور سلطان اسحاق شکل دیگری به خود گرفت. در آن ایام سپاهیان مغول پس از تصرف بغداد در مناطق کردنشین پراکنده بودند و بطور کلی سرزمین کردستان زیر سلطه مغول‌ها بود و این امر پیروان یارستان را تهدید می‌کرد، در

این هنگام سلطان اسحاق برای ستم دیدگان گُرد، که جور و ستم فراوانی از عاملان عرب دیده بودند، روزنه امید بود. او برای احیای آیین کهن و حفظ سنت و راه و روش‌های نیاکان خود قدم برداشت و توانست کلیه طوایف گُرد را در چارچوب مذهبی واحد متحد کند و در غرب ایران که پناهگاه مبارزان گریخته از جستجوی ایلچیان مغول بود شخصیت‌هایی که سر سلسله نهضت‌های مردمی بر علیه بیگانگان بودند پا به عرصه وجود نهادند که از آن میان می‌توان سلطان اسحاق را نام برد که آیین اهل حق را بنیانگذاری کرد و همزمان با سلسله مغول قیام کوهپایه نشینان زاگرس را رهبری کرد. (القاضی، ۱۳۷۳: ۱۸)

۳۴-۲- اهل حق و ظرفیت‌های بالقوه تخریبی (گروه مهاجمین)

حکومت پهلوی برای اینکه بتواند از حمایت مردم قلیخانی که از روحیه جنگجویی، سلحشوری و آمادگی جسمانی بالایی برخوردار بودند بهره‌مند گردد، تعداد زیادی از مردم این منطقه را تحت عنوان «چریک» و «جوانمرد» جذب و به استخدام موقت ژاندارمری درآورد، سپس آنها را به عنوان مرزبان در پاسگاه‌های مرزی و یا در داخل شهرها و بخش‌ها که پاسگاه ژاندارمری وجود داشت مستقر و از توانمندی آنها استفاده نمود. (آسیابانی، مصاحبه، ۱۳۹۶) در سال ۱۳۵۷ زمانی که تظاهرات ملت مسلمان ایران علیه رژیم ستم شاهی به اوج خود رسید و تمامی شهرها و حتی روستاها را در اقصی نقاط کشور در بر گرفت، در چنین اوضاعی سازمان اطلاعات و امنیت کشور، جماعتی از ایل قلیخانی و گوران را علیه مردم انقلابی شهرهای مرزی سرپل‌ذهاب و قصرشیرین بسیج نموده و خسارات و تلفاتی را بر مردم این شهرها به‌ویژه شهر سرپل‌ذهاب وارد آوردند. (مرکز اطلاعات ۳۱۳ خُر، ۱۳۷۶: ۲۸)

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی سلطنت‌طلبان و ساواکی‌های فراری، منطقه قلیخانی را محل مناسبی برای خود یافتند و با استفاده از شایعاتی که مبانی اعتقادی اهل حق را جریحه‌دار می‌کرد، آنها را تحریک کردند تا به‌صورت راهزن و گردنه‌گیر اقدام به آزار و اذیت مردم نمایند. هر چند عموم مردم منطقه قلیخانی خیلی با رژیم گذشته همراه نبودند و با انقلاب اسلامی و تحولات سیاسی در ایران نیز دشمنی و تعارضی نداشتند، اما از آنجایی که رژیم گذشته آنها را دریک وضعیت فرهنگی - اجتماعی ضعیفی قرار داده بود بنابراین در دوران انقلاب و سال‌های منتهی به پیروزی آن، آگاهی لازم نسبت به انقلاب اسلامی و اهداف آن را نداشتند و پیام انقلاب که همان اولویت در رسیدگی به مناطق محروم و رسیدگی به وضعیت اقشار مستضعف جامعه که از

ایده‌های رهبرکبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی(ره) بود را دریافت نکرده بودند، لذا عوامل رژیم شاهنشاهی به‌ویژه نیروهای ساواک و سلطنت طلبان از فضای به‌وجود آمده استفاده کردند و با انگشت گذاشتن روی حساسیت‌های خاصی که مردم اهل‌حق داشتند در تبلیغات خود بر روی شیعه بودن انقلاب اسلامی تاکید کردند و گفتند: «شما اهل حق هستید و این انقلاب شما را قبول ندارد بنابراین توانستند از عدم آگاهی آنها نسبت به اصول و شعائر انقلاب، استفاده کنند و در نتیجه در راستای اهداف مورد نظرشان جمعی از آنها را در مقابل مردم انقلابی سرپل‌ذهاب و قصرشیرین قرار دهند. (مه‌دیخانی، مصاحبه، ۱۳۹۵)

به قدرت رسیدن نظام اسلامی در ایران، در دو بعد منطقه‌ای و جهانی موجب نگرانی کشورهای منطقه و عموم کشورهای غربی به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، انگلیس و فرانسه شده بود. در این میان حزب بعث توسعه طلب عراق اطمینان داشت فرصت طلایی برای باز گرداندن حاکمیت و سلطه بر شط العرب (اروند رود) و برطرف کردن مشکل ژئوپلیتیکی کشور عراق با دسترسی به قسمتی از سواحل شمال غربی خلیج فارس و آزاد کردن زبان‌های استان خوزستان از تابعیت ایران فرا رسیده است. (السامرابی، ۱۳۸۸: ۵۸) بر همین اساس ارتش بعث عراق که از سالیان گذشته با ایران اختلافات ریشه‌ای داشت از فرصت استفاده کرده و سازماندهی، آموزش و بکارگیری مخالفین جمهوری اسلامی ایران را در دستور کار مراکز امنیتی و نظامی خود قرار داد؛ لذا با پناه دادن بسیاری از ضد انقلابیون فراری، وابستگان رژیم گذشته ایران در عراق و تامین رسانه به زبان‌های مختلف ایرانی جهت تحریک اقوام ایرانی و ایجاد تفرقه و فتنه‌های قومی - مذهبی خصوصاً در استان‌های مرزی، زمینه را برای انجام فعالیت‌های نظامی علیه حکومت اسلامی آغاز نمود. (اطلاعات میدانی محقق)

استخبارات عراق در راستای اهداف خود با بخشی از مردم قلخانی و گوران که در جوار مرز قرار داشتند، ارتباط برقرار نمود و با همکاری نزدیک سلطنت طلبان و عناصری که از رژیم قبل در منطقه فعال بودند اقدام به تبلیغات علیه جمهوری اسلامی نمودند از جمله اینکه؛ مسئولین نظام اسلامی مخالف روش، مرام و منش شما هستند و با شما برخورد می‌نمایند. در نتیجه این تبلیغات و دلایل دیگری از جمله؛ عدم آگاهی و فقر فرهنگی، گروه‌هایی از مردم این مناطق به همراه خانواده خود در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ ه.ش به داخل خاک عراق مهاجرت کردند و در اردوگاه‌هایی در حاشیه مرز مستقر شدند. (مه‌دیخانی، مصاحبه، ۱۳۹۵) رفته رفته تعداد پناهندگان به همراه خانواده‌هایشان فزونی یافت.

همزمان استخبارات عراق نیز کار جذب، سازماندهی و آموزش افرادی را از بین پناهندگان آغاز و آنها را برای عملیات های چریکی، خرابکاری و جاسوسی علیه جمهوری اسلامی ایران بکارگیری و اعزام نمود و در این زمینه توفیقاتی نیز به دست آورد و این روند تا شروع جنگ تحمیلی ادامه داشت. با شروع جنگ از طرف کشور عراق، فعالیت مهاجمین نیز وارد مرحله تازه ای گردید و دامنه فعالیت آنها علاوه بر استان کرمانشاه، استان های ایلام و تا حدودی استان خوزستان و مرکز کشور را نیز در بر گرفت. فعالیت های گروه مهاجمین در این مرحله شامل: جمع آوری اخبار و اطلاعات از وضعیت خطوط عملیاتی، نقل و انتقالات، ناامن سازی عقبه مناطق عملیاتی، گرفتن اسیر، ناامن سازی جاده های مرزی و محورهای مواصلاتی با اجرای کمین، مین گذاری و حمل محموله های انفجاری به داخل کشور بود. (مهدیخانی، ۱۳۸۷: ۹۷)

سردار کوروش آسیابانی از فرماندهان و پیشکسوتان دفاع مقدس در خصوص چگونگی سازماندهی و ماموریت گروه مهاجمین چنین بیان نمودند:

«قبل از شروع جنگ گروه مهاجمین که توسط ارتش بعث عراق سازماندهی و بکارگیری شده بودند عملیات هایی علیه مردم در شهرهای مرزی انجام می دادند از جمله این عملیات ها ؛ سال ۱۳۵۹ در شهرک قره بلاغ و در منطقه سرپل ذهاب و قصرشیرین بود. آنها با مین گذاری محورهای مواصلاتی و جاده های مرزی تعدادی از رزمندگان اسلام را به شهادت رساندند. با گذشت زمان کم کم توان و روحیه نظامی آنها تقویت شد و اقدام به سازماندهی در جهت حضور و فعالیت در محورهای مختلف جنوب غرب و غرب از جمله؛ دهلران، مهران، میمک، کانی سخت، منطقه سومار به سمت گیلانغرب و مناطق سرپل ذهاب و دالاهو کردند. آنها با همکاری ارتش بعث عراق با کمین در مسیرجاده ها افرادی را دستگیر نموده و سپس با تحویل آنها به حزب بعث عراق پاداش و هدیه دریافت می کردند و در صورتی که موفق به دستگیری نمی شدند نیروها را به شهادت رسانده و با مثله کردن اجساد، معمولاً گوش های آنها را می بریدند و تحویل ارتش عراق می دادند. این گروه در منطقه ایلام به گروه «فرسان» یا «گوش برها» معروف بودند که در زیر مجموعه گروه مهاجمین فعالیت می کردند. در منطقه دالاهو تعداد زیادی از تیم های گروه مهاجمین که فرمانده آنها فردی به نام «کاکای حسن» بود جذب حزب منحل دموکرات ایران شده بودند و با فعالیت های مخرب خود تعدادی از رزمندگان را در ایام هشت سال دفاع مقدس و بعد از آن طی سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۰ در مناطق دالاهو به شهادت رساندند. وجود عقبه ای امن برای

این گروه مهاجم و خانواده هایشان در منطقه «کلار» و «خانقین» عراق و همچنین شناختی که آنها از قبل به وضعیت جغرافیای منطقه داشتند و نسبت به زمین منطقه کاملاً توجه بودند وضعیت برتری را برای آنها ایجاد کرده بود، آنها به راحتی می توانستند ضرباتی بر نیروهای نظامی^۱، انتظامی، امنیتی و حتی مردم بومی منطقه وارد آورند، علاوه بر این فعالیت‌ها در عمق خاک ایران در داخل شهرها فعالیت‌های مخربی از جمله: بمب‌گذاری نماز جمعه تهران و راه‌آهن اراک ویا انهدام ترانس‌های برق و اختلال در سیستم برق‌رسانی شهرها انجام دادند. (آسیابانی، مصاحبه، ۱۳۹۶)

یکی از فرماندهان و کارشناسان امنیتی در خصوص تشکیل گروه مهاجمین چنین اظهار نمودند: «سردار جاف^۲ از عناصر بومی منطقه و وابسته به رژیم پهلوی که قبل از انقلاب با سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی ارتباط داشت، زیر نظر یکی از اعضای مجموعه شرقی استخبارات استان کرکوک به نام «راه قاضی»، کار سازماندهی جمعی از افراد فراری منطقه مرزی استان کرمانشاه را آغاز کرد، در همین راستا فردی فراری به نام محمود نظری معروف به محمود تایچه ای اهل روستای تایچه برای سازماندهی منطقه سنی نشین، و علی حسن رستمی معروف به علی حسن خلاصه را برای سازماندهی نیروهای اهل حق انتخاب و آنها را به استخبارات عراق معرفی نمود. سپس با تشکیل جلسات توجیهی با فرماندهان و نیروهای اطلاعاتی ارتش بعث عراق، ضمن تعیین ماموریت و توجه آنها، افراد مذکور را به ایران اعزام کردند. محمود نظری ۴۰ تا ۵۰ گروه سنی را در منطقه سنی نشین و علی حسن رستمی نیز از منطقه مرزی بمو تا «تخت گاه» و کوزران بخشی از مردم اهل حق را در قالب ۵۰ تا ۶۰ گروه سازماندهی نمودند. این افراد بعد از طی مراحل توجیهی و دیدن آموزش‌های مورد نیاز، نسبت به اجرای ماموریت‌های تعیین شده فعال شدند. در شهریورماه ۱۳۵۹ ه.ش با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و هجوم یگان‌های سپاه دوم عراق به مناطق قصرشیرین و سرپل‌ذهاب و اشغال قسمت‌هایی از خاک جمهوری اسلامی ایران بخشی از مردم ساکن در روستاها تا شش ماه بعد از جنگ در محل سکونت خود ماندند. از آنجایی که ارتباط آنها با ایران قطع شده بود و مردم به‌ناچار برای تهیه آذوقه و نیازهای پزشکی خود به شهرهای کلار، کفری و خانقین مراجعه می کردند و ناخواسته در اختیار عراق قرار گرفتند، عراق

۱- فرمانده اطلاعات عملیات لشکر ۱۱ امیرالمومنین و فرمانده محور عملیاتی لشکر ۲۵ کربلا در منطقه ی

چنگوله توسط عناصر گروه مهاجمین و فرسان به شهادت رسیدند.

۵- سردار جاف برادر سالار جاف بود سالار جاف از عناصر رژیم پهلوی بود که در هنگام انقلاب اعدام گردید.

هم سلاح در اختیار آنان گذاشته و آنها را وارد گروه های علی حسن رستمی و محمود نظری نمود. با تکمیل این گروهها گروه اصلی مهاجمین اعلام موجودیت نمود که ایجاد شبکه جاسوسی، تخریب و بمب گذاری، راهزنی، گروگان گیری، کمین و فعالیت های عملیاتی از جمله مأموریت های تعیین شده برای این تشکیلات بود.» (یاری، مصاحبه، ۱۳۹۶)

۳-۲-۱- دلایل شکل گیری گروه مهاجمین

به استناد مصاحبه های انجام گرفته با کارشناسان نظامی، امنیتی و اسناد مرتبط با موضوع مهمترین دلایل شکل گیری گروه مهاجمین عبارتست از:

- پیوستگی جغرافیایی و وجود مرزهای مشترک بین کشور ایران و عراق خصوصاً میان مردم مناطق دالاهو و سرپل ذهاب و مردم عراق در آن طرف مرز.
- ضعف اعتقادی، فرهنگی و عدم آگاهی مردم منطقه نسبت به اهداف انقلاب اسلامی به ویژه دیدگاههای حضرت امام خمینی (ره) نسبت به حمایت از محرومین جامعه و تبلیغات منفی عوامل رژیم پهلوی و نیروهای ضد انقلاب مبنی بر برخورد اعتقادی انقلاب اسلامی با مردم اهل حق.
- مشکلات اقتصادی و معیشتی و عدم وجود حداقل امکانات رفاهی در بین مردم منطقه به ویژه جوانان و روشنفکران تحصیل کرده.
- سیاست ها و برنامه های تجزیه طلبانه دولت عراق مبنی بر تحریک اقوام مختلف ایرانی به ویژه اقوام مستقر در جدار مرزها.
- اقدامات خودسرانه بعضی از مسئولین محلی در اخراج و برخورد با نیروهای چریک و جوانمرد.

۳-۳- نقش اهل حق در دفاع مقدس

۳-۳-۱- تامین نیرو و نقش موثر در تشکیل سپاه پاسداران در منطقه ریجاب:

بعد از مدتی که از تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی استان کرمانشاه به فرماندهی سردار شهید سید محمد سعید جعفری گذشت جمعی از پاسداران تهران که سردار شهید محمد بروجردی فرماندهی آنها را بر عهده داشت برای هدایت سپاه این استان به کرمانشاه آمدند، سپس هر کدام از همراهان در یک مسئولیت مشغول شدند. شهید مهدی خندان به همراه فرد دیگری به نام حاج طهماسبی با استقرار در منطقه ریجاب با مأموریت مقابله با عناصر ضد انقلاب و ایجاد امنیت در آن منطقه، سپاه ریجاب را تشکیل و سپس با استفاده از توان نیروهای عشایر منطقه متشکل از اهل حق، اهل تسنن و تشیع در قالب گروههایی غیر کلاسیک آنها را سازماندهی کرده و

برای انجام مأموریت ها و ایجاد امنیت در منطقه به کار گرفتند. (محمدی، ۱۳۹۸: ۴۱۶)

بعد از شروع جنگ تحمیلی توسط ارتش بعث عراق، سپاه ریجاب علاوه بر انجام مأموریت‌های قبلی، مقاومت در مقابل یگان‌هایی از ارتش بعث عراق و ایجاد خطوط پدافندی در مقابل آنها را بر عهده گرفت، این سپاه با استفاده از نیروهای بومی منطقه خصوصاً عشایر اهل حق، تسنن و نیروهایی از مردم تشیع به اجرای این مأموریت مهم پرداخت. در ادامه فعالیت‌ها از آنجایی که بعضی از فرماندهان غیر بومی، شناخت لازم نسبت به فرهنگ و روحیات مردم قلخانی و گوران را نداشتند، بین سپاه ریجاب و مردم منطقه برخوردهایی به وجود آمد که تاثیر منفی بر جذب و مشارکت مردم منطقه در دفاع را به همراه داشت. (کیانی، مصاحبه، ۱۳۹۶)

۳-۲- نقش نیروهای بومی در ایجاد امنیت و پدافند اولیه در مقابل ارتش بعث عراق

بعد از این که گروه‌هایی از مردم منطقه قلخانی با تطمیع، تهدید و وعده های مختلف استخبارات عراق و سران ضد انقلاب وارد عراق شدند و منشاء خسارت‌های فراوانی به کشور گردیدند، مسئولین سازمان‌ها و نهادهای نظامی، امنیتی، فرهنگی و اجتماعی به فکر راهکاری برای جلوگیری از گسترش این تهدیدات شدند، لذا با انجام فعالیت‌ها و اقدامات اساسی فرهنگی، اجتماعی، امنیتی و عمرانی توانستند ضمن جلوگیری از گسترش فعالیت گروه‌های مهاجم از توان بومی نیروهای منطقه در راستای تامین امنیت و استقرار آنها در خطوط پدافندی در مقابل ارتش بعث عراق استفاده نموده و حتی با گسترش فعالیت‌های مذکور بخشی از نیروهای مهاجم را جذب و در قالب گردان‌های رزمی از توان آنها علیه دشمن استفاده نمایند. در ادامه این مبحث بخشی از دیدگاهها و نظرات فرماندهان، شخصیت‌ها، کارشناسان و خبرگان مرتبط با موضوع آورده شده است.

برادر حسین فشی از فرماندهان و پیشکسوتان دفاع مقدس در خصوص اقدامات و فعالیت‌های اساسی که در منطقه دالاهو انجام گرفت چنین می گوید:

«یکی از اقدامات مهمی که توسط فرماندهان و مسئولین در منطقه انجام گرفت، ارتباط عاطفی و برخوردهای محبت آمیز با مردم منطقه بود. مسئولین نظام اسلامی دنبال ایجاد وحدت، همدلی و هم فکری بودند؛ لذا بر اساس مطالعات و شناختی که از فرهنگ این مردم وجود داشت برنامه‌های فرهنگی اجتماعی برای آنها پیش‌بینی و اجراء گردید و بر این اساس موارد متعددی از شبهات و ذهنیت‌های منفی که وجود داشت برطرف گردید. در اقدام بعدی شرایط جذب و بکارگیری

نیروهای مردمی از میان مردم قلخانی و گوران تسهیل و در نتیجه در مرحله اول حدود یک هزار نفر از آنها به عنوان بسیج ویژه با مأموریت ایجاد امنیت در منطقه بومی خود، جذب و بعد از آموزش سازماندهی گردیدند. به همراه آموزش‌های نظامی، آموزش مسائل فرهنگی نیز به خوبی اجراء گردید و در مراحل بعدی تعداد بیشتری از آنها جذب گردیدند.» (فشی، مصاحبه، ۱۳۹۶)

سردار عبدالرضا مسگریان که سال‌های متمادی از خدمت خود را در منطقه دالاهو در مسئولیت‌های مختلفی گذرانده است در خصوص اقدامات موثر برای جلوگیری از گسترش تهدید و تبدیل آن به فرصت اظهار داشتند:

« روحیه و رفتاری که فرماندهان از جمله شهیدان بروجردی، کاظمی و همت در کردستان و آذربایجان غربی داشتند در علاقمندی مردم آن منطقه به سپاه و نظام اسلامی خیلی موثر واقع گردید و مردم می‌دیدند که سپاه پاسداران حامی آنهاست و به آنها علاقمند است؛ اما در منطقه دالاهو در ابتدا تفاوت داشت. آنهایی که غیر بومی بودند و در ابتدا وارد منطقه شدند از آنجایی که نسبت به فرهنگ، روحیه و اعتقادات مردم شناخت کافی نداشتند، خیلی تدبیر نکردند و برخوردهایی نیز انجام گرفت؛ اما به تدریج که فرماندهان و مسئولین بومی استان کرمانشاه در منطقه مستقر شدند، در کنار فعالیت‌های امنیتی، نظامی شروع به فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و عمرانی نمودند. گروه‌هایی از جهادسازندگی و دیگر نهادهای مسئول در جهت رفع محرومیت‌های منطقه، امداد و اقدامات پزشکی، ایجاد راه‌های ارتباطی، سوخت رسانی و حتی آذوقه و مایحتاج عمومی مردم (هرچند در سطح حداقلی بود اما در خدمت به مردم محروم منطقه خیلی موثر بود) شروع به فعالیت نمودند. یکی دیگر از اقداماتی که در برگشت نیروهایی که به عراق رفته بودند و در اختیار گروه مهاجمین بودند خیلی تاثیر گذار بود، صدور امان نامه از طرف جمهوری اسلامی ایران و فراخوان عمومی به نیروهای مذکور بود که تعداد زیادی از آنها برگشتند و با گرفتن امان‌نامه به زندگی در منطقه بومی خود ادامه دادند و حتی به عضویت بسیج در آمدند و به فعالیت علیه گروه‌های مسلح ضدانقلاب مثل حزب دمکرات، کومله و گروه مهاجمین پرداختند. آنها متوجه شدند که تبلیغاتی که دشمن علیه جمهوری اسلامی انجام داده صحت ندارد و مسئولین و فرماندهان منطقه با آنها با مهربانی و رأفت برخورد می‌نمایند. اما این اقدامات مانع از این نشد که بعضی از آنها مجدداً مورد سوء استفاده قرار نگیرند و در ناامنی‌ها باز هم نقش نداشته باشند، ولی خیلی قابل توجه نبودند. دادن امان‌نامه چندین مرحله ادامه داشت و این تدبیر خیلی موثر واقع شد؛ اینها وارد بسیج شدند. حدود شش تاهفت گردان از نیروهای

بومی سازماندهی شد و در تأمین امنیت منطقه وسیعی که قبلاً امنیت در آنجا وجود نداشت و محل جولان گروه‌های ضد انقلاب بود به کار گرفته شدند. قبل از برگشت آنها، منطقه کاملاً ناامن بود و ورود به این مناطق خیلی سخت و ضد انقلاب بیشتر نقاط را گرفته بود و تحت کنترل خود داشتند. با برگشت این نیروها و همچنین همکاری دیگر مردم عشایر منطقه، پایگاه‌هایی در نقاط مختلف با حضور چهار تا پنج نفر سپاهی و تعداد زیادی نیروی بسیج عشایری تشکیل گردید، آنها توانستند امنیت نسبی را در این منطقه برقرار نمایند، تردها شبانه روزی و در نتیجه حضور نیروهای ضدانقلاب کم رنگ شد. این اقدامات استقبال مردم منطقه را به دنبال داشت. از طرف دیگر گروه‌های بیشتری از نیروهایی که به عراق رفته بودند، برگشتند و به اینها پیوستند و افرادی هم که در ایجاد ناامنی در منطقه نقش داشتند مورد تنفر عمومی قرار گرفتند. مضاعف بر آن، با همکاری اطلاعاتی مردم، تیم‌های ضد انقلاب شناسایی شده و مردم با آنها درگیر می‌شدند و دیگر حزب دمکرات و کومله به‌راحتی نتوانستند در منطقه تردد نمایند. به عنوان مثال زمانی که «هیز دالاهو» (معادل گردان رزمی) تشکیل شده بود، کومله هم گردانی تحت عنوان گردان دالاهو تشکیل داده بود که به محض ورود به منطقه، توسط نیروهای عشایر متلاشی شدند و هیچ نیرویی از آنها سالم به داخل خاک عراق برنگشت. (مسگریان، مصاحبه، ۱۳۹۶)

برادر اردشیر یاری در موضوع مورد بحث چنین اظهارنظر نمودند:

«با انجام فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و آگاه سازی که در سطح منطقه انجام گرفت و همچنین جلسات متعددی که توسط مسئولین و فرماندهان نظامی با بزرگ نیروهای اهل‌حق آقای سیدنصرالدین حیدری تشکیل گردید، ایشان ضمن حضور در منطقه در بین عشایر مستقر گردید، تاثیرپذیری مردم منطقه و نفوذ ایشان، زمینه را برای تشکیل بسیج عشایری منطقه قلخانی و گوران و دیگر نیروهای بومی فراهم نمود. آنها در قالب تشکیلاتی تحت عنوان فدائیان امام زیر نظر فرمانده سپاه ریجاب و شخص سید نصرالدین حیدری سازماندهی شده و با گذراندن آموزش‌های اولیه، در قالب گروه‌های رزمی تحت نام فرماندهانشان سازماندهی شدند، سپس در مناطق بحرانی مستقرگردیدند. این اقدام باعث شد که یک آرامش نسبی در منطقه ایجاد شود و در نتیجه تعداد زیادی از افرادی که قبلاً به عراق رفته بودند، مجدداً برگردند و امان‌نامه دریافت نمایند و حتی به عضویت بسیج عشایری درآیند. در آن مراحل اولیه، تعداد زیادی از این نیروها جذب و سپس مسلح و به کارگیری شدند و در ادامه کار نیز چهار گردان رزمی از این افراد تشکیل و در پایگاه

های گهواره، بزمیرآباد، بیونچ و یک گردان نیز در خطوط پدافندی در مقابل ارتش عراق مستقر و به کار گرفته شدند.» (یاری، مصاحبه، ۱۳۹۶)

امیر سرتیپ محمود بدری در کتاب حماسه بازی دراز در خصوص نقش نیروهای اهل حق در تأمین امنیت و پدافند در جناح راست منطقه عمومی سرپل ذهاب در مقابل ارتش بعث عراق چنین بیان نموده است:

«ارتفاعات گاری، یک رشته ارتفاعات گرده‌ماهی است که درست مقابل دشت جگیران، تپه‌رش و باووسی قرار گرفته است، آن زمان که هنوز نیروهای ما آمادگی دفاع نداشتند اگر ارتش عراق به منطقه توجه بود، می‌توانست از طریق مناطق قلخانی عبور کند و ماهیدشت را اشغال و پس از آن، بسیار راحت کرمانشاه را تصرف کند. با این کار می‌توانست تمام نیروهای سرپل ذهاب و کل نیروهای مستقر در منطقه را به محاصره در آورد. از مشاهده‌ها این‌گونه پیدا بود، که آنها هم شناسایی خوبی روی طبیعت نداشتند و یا اینکه چون قصد دفاع در غرب و حمله در منطقه خوزستان را داشتند، بیش از وضع موجود نمی‌خواستند، پیشروی کنند. آسیب پذیرترین منطقه‌ی کرمانشاه، محور باووسی به قلخانی است. ما این را به تجربه دریافتیم. دشت جگیران، تپله‌کوه، ارتفاعات گرده‌ماهی به موازات تپه‌رش و باووسی امتداد یافته‌اند و از حساسیت بالایی برخوردارند. برای همکاری بزرگ قلخانی آقای سیدنصرالدین را دیدم و به او گفتم: "به نیروهایت بگو بیل و کلنگ با خود بیاورند و پشت سر ما به طرف ارتفاعات حرکت کنند." همین کار را هم ایشان و نیروهایش با دل و جان انجام دادند. ما پس از دو ساعت راه پیمایی روی ارتفاعات «گاری» رسیدیم. چون ارتفاعات آنجا به شکل گرده‌ماهی بودند ایجاد سنگر و کندن آن ساده بود. سنگرکشی اصولی را به آن‌ها آموزش دادیم. سنگرها آماده شدند و آن نیروها در آنجا استقرار یافتند. پس از توجه آنها برقراری امنیت در جبهه‌ی راست سرپل ذهاب را به آنها واگذار کردم واقعاً هم تا پایان جنگ ما ندیدیم عراقی‌ها از آنجا نفوذ کنند.» (رضایی‌فر، ۱۳۹۵: ۱۴۷-۱۴۵)

در این مبحث که گوشه‌ای از فعالیت‌های فرماندهان و مسئولین مراکز نظامی، امنیتی و فرهنگی اجتماعی و همچنین مردم بومی منطقه ارائه گردید برای پاسخگویی به چگونگی تبدیل تهدیدهای ایجاد شده به فرصت‌های مهم و ارزنده- جذب و بکارگیری مردم بومی منطقه در ایجاد امنیت و همچنین پدافند در مقابل هجوم ارتش بعث عراق در بخش‌هایی از مناطق مرزی غرب کشور- گوشه‌ای از اقدامات و فعالیت‌های تاثیرگذاری که توسط فرماندهان و مسئولین انجام گرفت عبارتند از:

- استفاده از تجربیات بدست آمده از بحران امنیتی کردستان و آذربایجان غربی.
- ایجاد روابط صمیمی توسط فرماندهان و مسئولین سپاه پاسداران و مسئولین نهادهای انقلابی با مردم منطقه.
- ایجاد روابط و تعامل با رهبران و سران عشایر منطقه و استفاده از نفوذ آنها در بین مردم.
- انجام فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و عمرانی و ارائه خدمات عمومی و تأمین نیازهای اولیه مردم منطقه. (در حد محدود)
- اعتماد به مردم منطقه و سپردن مسئولیت تأمین امنیت در منطقه و پدافند در مقابل دشمن در خطوط جبهه‌های نبرد به آنها.
- ایجاد اشتغال در بسیج عشایری برای تعداد زیادی از جوانان و مردم منطقه.

۳-۳-۳- گسترش سازمان رزم و انجام عملیات های آفندی و پدافندی:

نیروهای بومی منطقه دالاهو و سرپل ذهاب که در گروه‌های غیر رسمی سازماندهی و تحت فرماندهی سران عشایر قرار داشتند، به مرور زمان در قالب گردان‌های رزمی قرار گرفته و با تشکیل چهارگردان رزمی به اجرای مأموریت‌های امنیتی دفاعی پرداختند، بخشی از آنها در منطقه دالاهو و بخشی دیگر در خطوط دفاعی در مقابل ارتش عراق پدافند نمودند. خطوط پدافندی آنها در مقابل ارتش بعث عراق از ارتفاعات گاری شروع و تا یال سورمر و شاخ شمیران ادامه داشت و در عمق به داخل کشور تا منطقه تازه آباد، بزمیرآباد و گهواره و دیگر مناطق امنیتی گسترش داشت. سردار سرتیپ دوم پاسدار خلیل کیانی که در سال ۱۳۶۰ به عنوان فرمانده عملیات سپاه سرپل ذهاب مشغول فعالیت بوده اند در خصوص حضور نیروهای بسیج عشایری در قالب گروه‌های مردمی از مردم اهل حق، تسنن و تشیع بیان نمودند:

در جبهه راست که از کلینه (کل داوود) تا تنگ بردعلی ارتفاع گاویشان که حدود ۱۵ کیلومتر بود در مسئولیت عملیاتی سپاه سرپل ذهاب قرار داشت، اما قبل از تنگ بردعلی قله ابوذر در تصرف عراقی ها بود منطقه چم زرشک و بزمیرآباد در پدافند نیروهای قلخانی قرار داشت، عملاً یگان رزم رسمی سپاه تشکیل نشده بود و عمدتاً نیروها به صورت گروهی در خطوط پدافند مستقر می شدند، گروهی به نام عبدا... گوران در منطقه قلخانی و گهواره حدود پانصد نفر نیرو داشت و دیگری بنام شاه نظر در «کل کش» و «کفراول» فرمانده نیروهای بومی آن منطقه بود نیروهای شهرستان اسلام آباد نیز که تعدادشان حدود دویست نفر بود تحت فرماندهی یکی از روسای قبیله

بنام حیدری بودند. این گروه‌ها در اواسط سال ۱۳۶۰ در عملیات آفندی که تحت عنوان شهید رجایی و باهنر اول در ارتفاعات آهنگران علیه ارتش بعث عراق انجام گرفت حضور فعال داشتند. در این عملیات نیروهای عبدا... گوران حدود ۳۰۰ نفر و نیروهای آقای حیدری ۹۰ نفر و حدود ۱۷۰ نفر نیز از اهل تسنن حضور داشتند. نیروهای قلخانی در مرحله دیگری در عملیات قله ابوذر نیز شرکت داشتند آنها بعد از انجام عملیات در مقابل دشمن مستقر شده و با ایجاد خطوط پدافند نقش مؤثری در حفظ آن منطقه داشتند. (کیانی، مصاحبه، ۱۳۹۶)

۳-۳-۴- تشکیل پایگاه ویژه کردغرب و سازمان رزم شهید چمران

پایگاه کردغرب در سال ۱۳۶۲ به صورت پایگاهی ویژه در آمد این پایگاه دارای پاسگاه‌هایی در شهرستان‌های قصرشیرین به فرماندهی برادر عزالدین امینی و سرپل ذهاب به فرماندهی سردار عبدالرضا حاجی‌علیانی و کردغرب به فرماندهی مصیب سلیمانی و چهار گردان در بزمیرآباد، ریجاب، گهواره و کانی صفر بود، بعدها با توجه به ضرورت جنگ از یک طرف و از طرفی دیگر حضور ضد انقلاب در منطقه، وجود یک سازمان رزم که منطقه را تحت کنترل درآورد لازم و ضروری به نظر می‌رسید که در نتیجه سازمان رزم شهید چمران در این پایگاه ویژه تشکیل شد، این سازمان دامنه فعالیت‌های خود را در محدوده منطقه دالاهو گسترش داد و پاسگاه‌های گهواره، ریجاب و سرپل ذهاب به صورت گردان‌های رزمی این سازمان مأموریت پدافندی قسمتی از جبهه‌های جنگ تحمیلی در ارتفاعات شاخ شمیران تا دشت ذهاب به صورت گسترده، منطقه‌ای وسیع از خطوط پدافندی مقابل ارتش بعث عراق را تحت پوشش قرار دادند، این سازمان در سال ۱۳۶۵ به صورت یگانی که هنوز رسمیت نیافته بود به استعداد دو گردان نیروی رزمی که بیشتر آنها را نیروهای اهل حق تشکیل می‌داد به منطقه عملیاتی کربلای پنج در جنوب کشور اعزام و در آن عملیات مقابل پاتک‌های دشمن پدافند نمود. (کیانی، مصاحبه، ۱۳۹۶)

۳-۳-۵- تشکیل گردان احرار:

در اواخر سال ۱۳۶۴ بر اساس تدابیر اتخاذی مبنی بر استفاده و بکارگیری نیروهای تسلیمی گروه مهاجمین، تعداد ۸۰ نفر از آنها شناسایی و با مذاکراتی که توسط فرماندهان و مسئولین با آنها انجام گرفت آنها پذیرفتند و در قالب «گردان رزمی منها» احرار با مأموریت برون مرزی زیر نظر سازمان رزم شهید چمران سازماندهی گردیدند؛ از آنجایی که این افراد شناخت خوبی به روش،

تاکتیک و جغرافیای مناطق عملیاتی دشمن و مراکز پشتیبانی آنها به‌ویژه در عمق خاک عراق داشتند در انجام مأموریت‌های واگذار شده موفق بودند. از مهمترین اقدامات آنها انجام عملیات علیه گروه‌های باقی مانده از مهاجمینی بود که مأموریت بمب‌گذاری و یا تخریب دکل‌های برق و دیگر اقدامات خرابکارانه را بر عهده داشتند، تیم‌های عملیاتی این گردان در انهدام و از بین بردن گروه‌های مخرب مخصوصاً گروه‌هایی که مأموریت جاسوسی را بر عهده داشتند و با استفاده از ردیاب محل تاسیسات حیاتی را برای بمباران هواپیماهای عراقی در استان‌های غرب نشین مشخص می‌کردند نقش مهم و اساسی داشتند. از دیگر فعالیت‌ها و اقدامات مؤثر گردان احرار تهیه اخبار و اطلاعات ارزشمند از وضعیت نیروهای عراقی و مراکز مهم و حیاتی دشمن بود، آنها در انجام این مأموریت‌ها در داخل خاک عراق شهیدانی را نیز تقدیم نمودند. ستاد این گردان در کرد غرب بود و زمستان‌ها در دامنه‌های بمو درتيله سفید و در ایام تابستان نیز در منطقه کانی‌صفر مستقر می‌شدند، این گردان بعد از تشکیل تیپ ۱۲۷ مقدار زیر نظر سازمانی این یگان قرار گرفت. (یاری، مصاحبه، ۱۳۹۶)

۳-۳-۶- شرکت نیروهای اهل حق در عملیات کربلای پنج

نیروهای استان کرمانشاه به عنوان یکی از یگان‌های فرارگاه نجف اشرف در عملیات کربلای ۵ که در بامداد روز ۱۹ دی ماه ۱۳۶۵ با رمز یا زهرا (سلام‌الله‌علیها) با اهداف انهدام ماشین جنگی دشمن و تعیین سرنوشت جنگ در منطقه عمومی شلمچه انجام گرفت حضور داشتند، دو گردان از نیروهای سپاه کردغرب که بیشتر آنها از مردم اهل حق بودند در جزیره بوارین از مناطق آزاد شده به مدت ۴۵ روز پدافند نمودند. (محمدی، ۱۳۹۸: ۴۲۴)

برادر حسین فشی که به عنوان رئیس ستاد سازمان رزم شهید چمران به همراه این دو گردان در عملیات کربلای پنج شرکت داشتند، در توصیف عملکرد نیروهای قلخانی چنین می‌گوید:

«بعد از اینکه گردان‌های سازمان رزم شهید چمران در انجام مأموریت پدافندی تجربیات لازم را به‌دست آورند و توانستند به خوبی در خطوط پدافندی مقابل دشمن دفاع نمایند، دو گردان از آنها را برای شرکت در عملیات کربلای پنج آماده نمودیم. عملیات آغاز شده بود و مناطقی از خاک دشمن در منطقه شلمچه به تصرف رزمندگان اسلام درآمده بود، مأموریت پدافند و نگهداری بخشی از جزیره بوارین نیز به ما واگذار شد. عملیات کربلای پنج یکی از سخت‌ترین و پیچیده‌ترین عملیات‌های نظامی در دوران دفاع مقدس بود، لذا با ورود نیروها به منطقه مورد نظر

واقعاً منطقه عملیاتی برای آنها قابل تحمل نبود، آنها جنگ به این سختی و شدت آتش را ندیده بودند. کانال‌ها، میادین موانع پیچیده، آب گرفتگی گسترده و رزم در مناطق باتلاقی به‌ویژه نبرد در جبهه‌های جنوب را برای اولین بار تجربه می‌کردند. آنها با غیرت و شجاعتی که داشتند آن شرایط سخت را تحمل کرده و به مدت ۴۵ روز در خطوط پدافندی جزیره بواین که همواره با عملیات آفندی دشمن روبرو بود مقاومت کردند. از آن جایی که معمولاً نیروهای قلخانی تک‌تیراندازهای ماهری هستند، در آنجا نیز با یک ابتکار عملیاتی، زمانی که دیدبان‌های عراقی برای انجام دیده بانی بالای برجها و دکل‌های پتروشیمی روبروی جزیره می رفتند، آنها را زیر نظر گرفته و با شلیک به‌موقع، نیروهای مذکور را به هلاکت می‌رساندند. این تاکتیک آن قدر تأثیر گذار بود که نیروهای عراقی دیگر کمتر از دکل دیدبانی استفاده می‌کردند. در مجموع در مدت مأموریت حفظ و نگهداری خطوط پدافندی منطقه عملیاتی، شش نفر از نیروهای ما به شهادت رسیدند و پانزده نفر نیز مجروح شدند. « (فشی، مصاحبه، ۱۳۹۵)

۳-۳-۷- نقش نیروهای اهل حق در تشکیل تیپ ۱۲۷ مقداد

بعد از گسترش سازمان رزم شهید چمران و تشکیل گردان‌های رزمی و واحدهای خدمات رزم و همچنین استقرار نیروهای این سازمان در خطوط پدافندی و عملیات‌های آفندی، در تاریخ ۱۳۶۶/۴/۳۰ طی ابلاغی از طرف نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سازمان رزم تیپ ۱۲۷ مقدار رسمیت پیدا نمود و این سازمان به عنوان یکی از تیپ‌های رسمی نیروی زمینی سپاه منظور گردید. بعد از این ابلاغ، در مهر ماه سال ۱۳۶۶ مسئولیت نگهداری خطوط پدافندی منطقه عمومی ازگله به طول ۱۳ کیلومتر به این یگان واگذار گردید و در همان سال گردان حُر این تیپ متشکل از نیروهای اهل حق به جنوب اعزام و در خطوط پدافندی جزایر مجنون جایگزین یکی از گردان‌های تیپ نبی اکرم (ص) گردید. (محمدی، ۱۳۹۸: ۴۷۴) تیپ ۱۲۷ مقدار به تدریج دارای چهار گردان پیاده و یک گردان ادوات شد که نام گردان‌های آن عبارت بودند از؛ گردان‌های حمزه سید الشهداء (ع)، حُر، مالک اشتر و گردان خیبر، این تیپ متشکل از نیروهای بومی منطقه شامل؛ شیعه، اهل حق و سنی بودند که ضمن استقرار چرخشی گردان‌های خود در مناطق بمو، شلمچه، جزایر مجنون، شاخ شمیران و ماووت در دوران دفاع مقدس در عملیات‌های کربلای پنج، والفجر ۱۰ و مرصاد نیز شرکت نمودند. (محمدی، ۱۳۹۸: ۴۲۶)

۳-۳-۸- شرکت نیروهای اهل حق در عملیات والفجر ۱۰

بعد از اینکه مشکلاتی در انجام عملیات‌های اصلی رزمندگان اسلام در جنوب به وجود آمد، عملیات بزرگی در سال ۱۳۶۶ در منطقه عمومی حلبچه با هدف آزادسازی شهرهای حلبچه، خرمال، دوجیله، بیاره، طویله، دربندیخان و انسداد عقبه اصلی دشمن در استان سلیمانیه عراق طراحی و هم زمان با مبعث رسول اکرم (ص) در مورخ ۱۳۶۶/۱۲/۲۵ در پنج مرحله اجراء شد. (پورجباری، ۱۳۹۳: ۱۹۲)

از آنجایی که محورهای اصلی این عملیات در نوار مرزی استان کرمانشاه با کشور عراق قرار گرفته بود، یگان‌های استان کرمانشاه نقش مهمی در آن داشتند از جمله این یگان‌ها؛ تیپ ۲۹ نبی اکرم (ص) و تیپ ۱۲۷ مقدار بودند. نیروهای اهل حق نیز در قالب دو گردان رزمی تحت فرماندهی تیپ ۱۲۷ مقدار در این عملیات شرکت داشتند و بر اساس مأموریت واگذار شده توانستند اهداف تعیین شده که بخشی از ارتفاعات مشرف بر شهر حلبچه عراق بود را به خوبی به تصرف درآورند. رئیس ستاد این تیپ که در عملیات مذکور شرکت داشتند نقش نیروهای اهل حق را چنین توصیف می‌کند: «شب اول عملیات به علت عدم شناخت نسبت به منطقه نتوانستیم به خوبی موفق شویم، اما در شب دوم عملیات که به استعداد دوگردان شرکت داشتیم، توانستیم همه اهداف پیش بینی شده یگان را تصرف نماییم و با یک تدبیر خاصی مانع از ورود نیروهای عمل کننده به داخل شهرشویم و صرفاً بر روی ارتفاعات اطراف شهر حلبچه مستقر شدیم، اگر نیروها وارد شهر حلبچه می شدند، تلفات زیادی در بمباران شیمیایی شهر حلبچه می دادیم، در این عملیات ۱۲ نفر از رزمندگان تیپ ۱۲۷ مقدار به شهادت رسیدند.» (فشی، مصاحبه، ۱۳۹۵)

۳-۳-۹- شرکت نیروهای اهل حق در عملیات مرصاد:

در مقابل عملیات فروغ جاویدان که توسط سازمان مجاهدین خلق ایران (منافقین) با حمایت ارتش بعث عراق در سوم مرداد ماه سال ۱۳۶۷ در محور قصرشیرین، سرپل ذهاب، کرد و اسلام آباد غرب به کرمانشاه و پیشروی آنها تا منطقه حسن آباد و تنگه چهارزیر انجام گرفت، عملیاتی به نام مرصاد طراحی و بر اساس آن به یگان‌های مستقر در این منطقه مأموریت داده شد تا در پنجم مرداد ماه ۱۳۶۷ هم‌زمان از محورهای مختلف به دشمن نزدیک شده و ضمن محاصره و انهدام آنها منطقه را نیز پاکسازی نمایند.

تیپ ۱۲۷ مقدار در دومین روز نبرد در گردنه «چنوش» واقع در محور چهارزبر به شهرگهواره با دو یگان از نیروهای سازمان مجاهدین خلق (منافقین) درگیر شده، ضمن انهدام بخشی از تجهیزات نظامی، تعداد ده دستگاه خودرو و تجهیزات نیمه سنگین را از آنها به غنیمت گرفته و هشت نفر را نیز به هلاکت رساندند. در اقدام موثر دیگری که توسط مردم منطقه دالاهو انجام گرفت بعد از شکست نیروهای سازمان مجاهدین خلق، آنها با فرماندهان و رزمندگان اسلام نهایت همکاری را در تعقیب نیروهای شکست خورده دشمن به عمل آورده و ضمن شناسایی آنها با یک ابتکار نظامی که توسط یکی از فرماندهان گردان‌های مستقر در منطقه دالاهو انجام گرفت، تعداد ۱۶ نفر از فرماندهان، مسئولین و کادر سازمان مجاهدین خلق را دستگیر و به مسئولین نظامی و امنیتی تحویل داده شدند. در بین این افرادی از نیروهای کادر مرکزی سازمان مجاهدین خلق نیز وجود داشت. از دیگر فعالیت های مردم اهل حق در روزهای بعد از عملیات می‌توان به جستجو و تعقیب دشمن در محورهای منتهی به مرز عراق اشاره کرد که مردم ضمن یافتن تعدادی از اجساد کشته شدگان، موضوع را به فرماندهان اطلاع رسانی نموده و هدایایی نیز دریافت می نمودند. این گونه فعالیت‌ها نشان از اعتمادی بود که نظام به آنها کرد و آنها هم خوب جواب دادند، اگر آنها پایبند به جمهوری اسلامی نبودند این اقدامات موثر و مهم را انجام نمی‌دادند. (فشی، مصاحبه، ۱۳۹۵)

۳-۳-۱۰- جامعه ایثارگران اهل حق استان کرمانشاه

استان کرمانشاه با داشتن تعداد ۹۸۰۰ شهید و مفقودالآثر ۴/۵ درصد از کل شهدای دفاع مقدس را به خود اختصاص داده است که با توجه به بافت مذهبی استان، ۷۵۰ شهید برابر با ۷/۶ درصد از این شهدا از مردم اهل حق هستند. از مجموع ۱۱۰۲۸ جانباز بالای ۲۵ درصد استان کرمانشاه تعداد ۴۸۶ جانباز مربوط به جمعیت اهل حق است، و از مجموع ۱۷۴۰ آزاده استان کرمانشاه تعداد ۸۴ آزاده نیز از اهل حق می باشند. (مأخذ: آمار رایانه ای بنیاد شهید و امور ایثارگران استان کرمانشاه -۱۳۹۶)

۴- یافته های تحقیق

۴-۱- یافته های اسنادی

در پاسخ به بخش اول سؤال تحقیق؛ مردم اهل حق استان کرمانشاه چه نقش و جایگاهی در هشت سال دفاع مقدس ایفاء نمودند؟ با استفاده از بررسی و تحلیل اسناد مورد مطالعه و آمار و ارقام موجود و مصاحبه عمیق فرماندهان و پیشکسوتان دفاع مقدس اطلاعات ارزشمندی جمع آوری گردید، مهمترین این یافته ها عبارتند از:

- ایجاد امنیت در منطقه مرزی دالاهو و شرکت در پدافند اولیه در مقابل ارتش بعث عراق: بعد از این که گروه‌هایی از مردم منطقه قلخانی با تطمیع، تهدید و وعده‌های مختلف استخبارات عراق و سران ضد انقلاب وارد عراق شدند و با ایجاد شبکه‌های بمب‌گذاری، جاسوسی و خرابکاری منشاء خسارت‌های فراوان به کشور گردیدند، مسئولین سازمانها و نهادهای نظامی، امنیتی و اجتماعی با انجام فعالیت‌ها و اقدامات اساسی فرهنگی، امنیتی، اقتصادی و عمرانی توانستند تهدید موجود را به فرصت تبدیل نموده و ضمن جلوگیری از گسترش فعالیت گروه‌های مهاجم از توان بومی نیروهای اهل حق در راستای تامین امنیت منطقه و استقرار آنها در خطوط پدافندی در مقابل ارتش بعث عراق استفاده نموده و حتی با گسترش فعالیت‌های مذکور بخشی از نیروهای مهاجم را جذب و در قالب گردان‌های رزمی از توان آنها علیه دشمن استفاده نمایند.
- گسترش سازمان رزم محلی با استفاده از توان نیروهای اهل حق و تشکیل سپاه ریجاب با مأموریت ایجاد امنیت در آن منطقه و مقابله با عناصر ضد انقلاب، این سپاه بعد از شروع جنگ تحمیلی علاوه بر انجام مأموریت‌های مبارزه با عناصر ضد انقلاب و ایجاد امنیت در مناطق غیر امن مأموریت مقاومت در مقابل یگان‌هایی از ارتش بعث عراق و ایجاد خطوط پدافندی در مقابل آنها را نیز بر عهده گرفت.
- پشتیبانی مردم اهل حق شهرستان دالاهو در جهت تشکیل پایگاه ویژه کرد و سازمان رزم شهید چمران و تامین بخش عمده ای از نیروهای مورد نیاز این پایگاه و گردان‌های وابسته به آن با مأموریت پدافندی قسمتی از جبهه‌های جنگ تحمیلی در ارتفاعات شاخ شمیران تا دشت ذهاب.
- تامین بخش عمده نیروهای رزمی تیپ ۱۲۷ مقداد و انجام عملیات‌های پدافندی و آفندی: سازمان رزم تیپ ۱۲۷ مقداد با حضور حداکثری نیروهای اهل حق در تاریخ ۱۳۶۶/۴/۳۰ رسمیت پیدا نمود و بعد از مهر ماه سال ۱۳۶۶ مسئولیت نگهداری خطوط پدافندی منطقه عمومی ازگله به طول ۱۳ کیلومتر به این یگان واگذار گردید.
- نیروهای اهل حق استان کرمانشاه در دفاع مقدس در عملیات‌های شهیدان رجایی و باهنر، قله ابوذر، کربلای پنج، نصر هفت، والفجر ده، مرصاد و نیز عملیات‌های متعددی علیه گروه‌های ضد انقلاب شرکت داشتند.
- جماعت اهل حق استان کرمانشاه با تقدیم ۷۵۰ شهید والامقام، برابر با ۷/۶ درصد شهدای استان کرمانشاه را تشکیل داده است و از مجموع ۱۱۰۲۸ جانباز بالای ۲۵ درصد استان تعداد ۴۸۶

جانباز از مردم اهل حق بوده و همچنین از مجموع ۱۷۴۰ آزاده استان تعداد ۸۴ آزاده مربوط به مسلک اهل حق می باشند.

۴-۲- یافته‌های پیمایشی پژوهش

ابراز سنجش پژوهش حاضر در بخش پیمایشی یک پرسش‌نامه تشکیل داده است که در سه قسمت «الف، ب و ج» تنظیم شده است، در قسمت الف ویژگی‌های فرد نمونه آمده است، در قسمت «ب» یازده سؤال در خصوص تعیین نقش مردم کرمانشاه در دفاع مقدس و در قسمت «ج» شش سوال بسته و یک سؤال باز ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته را می‌سنجند، نتایج بدست آمده عبارتست از:

در جواب یکی از سئوالات مبنی بر میزان تاثیر حضور مردم اهل حق استان کرمانشاه در دفاع مقدس؟ از مجموع ۶۰ نفر جامعه نمونه ۳۱ نفر گزینه متوسط، ۲۰ نفر زیاد، ۸ نفر خیلی زیاد و یک نفر کم را انتخاب نموده‌اند، که از مجموع ۳۰۰ امتیاز کامل ۲۱۵ امتیاز را کسب کرده است در نتیجه یافته‌های به دست آمده از مجموع بررسی‌ها و تحلیل محتوایی اسناد و همچنین نتیجه این پیمایش اولین یافته تحقیق به شرح ذیل عنوان می‌گردد:

«مردم اهل حق استان کرمانشاه نقش تاثیر گذاری در حماسه هشت سال دفاع مقدس داشتند.» در پاسخ به بخش دوم سؤال تحقیق؛ مهمترین دلایل همگرایی مردم اهل حق استان کرمانشاه در حماسه هشت سال دفاع مقدس کدامند؟ با طرح سؤال‌های «۱ تا ۶» قسمت «ج» پرسشنامه، جامعه نمونه را مورد آزمون قرارداداده و با استفاده از پنج گزینه دلایل و میزان این همگرایی را سنجیده و نتیجه آن بر اساس وزن و اولویت در جدول زیر تبیین گردیده است.

جدول عوامل همگرایی و میزان تاثیر آنها

عوامل همگرایی (متغیرهای مستقل)	خیلی کم (۱)	کم (۲)	متوسط (۳)	زیاد (۴)	خیلی زیاد (۵)	مجموع امتیاز کسب شده از ۳۰۰
هدایت و رهبری	۰	۰	۰	۱۲	۴۸	۲۸۸
نگرش و توجه فراگیر حضرت امام خمینی (ره) به وحدت	۰	۰	۰	۲۲	۳۸	۲۷۸
حمیت ملی و وطن دوستی مردم غرب کشور	۰	۰	۰	۲۳	۳۷	۲۷۷

						در دفاع سرزمینی و حفظ تمامیت ارضی کشور
۲۷۲	۳۲	۲۸	۰	۰	۰	فرهنگ رفتاری فرماندهان و کارکنان سپاه پاسداران
۲۷۲	۳۳	۲۶	۱	۰	۰	سلحشوری مردم غرب کشور
۲۶۶	۲۹	۲۸	۳	۰	۰	مشترکات دینی
کلیه عوامل تاثیر گذار در همگرایی مردم اهل حق در دفاع مقدس امتیاز لازم را از جامعه نمونه کسب نموده لذا این عوامل به عنوان یافته‌های تحقیق تعیین می گردند.						نتیجه کلی

نتیجه گیری

بر اساس نتایج تحقیق و یافته‌های به دست آمده در رابطه با موضوع مورد پژوهش می توان گفت؛ علی‌رغم این‌که گروه‌هایی از مردم منطقه قلیخانی و گوران (اهل حق) با تطمیع، تهدید و وعده های مختلف استخبارات عراق و سران ضدانقلاب وارد عراق شدند و منشاء خسارت‌های فراوانی به کشور گردیدند، اما در مراحل بعدی «مردم اهل حق استان کرمانشاه نقش تاثیرگذاری در حماسه هشت سال دفاع مقدس ایفاء نمودند.» همچنین بر اساس یافته های پیمایش به عمل آمده و دیدگاه صاحب نظران، از عوامل موثر بر همگرایی این مردم در حماسه هشت سال دفاع مقدس می توان موارد مهم زیر را نام برد:

«هدایت و رهبری، نگرش و توجه فراگیر حضرت امام خمینی (ره) به وحدت بین مردم پیرو مذاهب و مسالک مختلف»، «سلحشوری، حمیت ملی و وطن دوستی مردم غرب کشور در دفاع سرزمینی و حفظ تمامیت ارضی کشور»، «فرهنگ رفتاری فرماندهان و کارکنان سپاه پاسداران» و «مشترکات دینی».

در جمع بندی کلی می توان بیان کرد؛ اقوام و پیروان مذاهب و مسالک مختلف استان کرمانشاه همواره خود را جزئی از کشور یکپارچه ایران می بینند و نسبت به انسجام ملی معتقد و پایبند هستند. آنها در طول تاریخ گذشته همواره نشان داده اند که علاوه بر علاقمندی به اصول و ارزش‌های مربوط به فرهنگ خاص قومی، مذهبی خود به عناصر موثر در ایجاد وحدت و انسجام در حاکمیت یکپارچه کشور ایران معتقدند و در مقابل تهدید، تجاوز و تهاجم دشمنان خارجی

خود را جزیی از توان و قدرت ملی دانسته و از توانمندی‌های قومی خود در جهت دفاع از حاکمیت و تمامیت ارضی کشور استفاده خواهند نمود. از مصادیق بارز آن می‌توان انقلاب اسلامی، مقابله با بحران کردستان و دوران هشت سال دفاع مقدس را نام برد.

در جهت تقویت همگرایی اقوام و مذاهب مختلف و نقش آفرینی جمعیت مورد مطالعه در ایجاد امنیت و دفاع از تمامیت ارضی کشور در مرزهای غربی که همواره با تهدیدهایی روبرو خواهیم بود موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- انجام مطالعات راهبردی در جهت شناخت عمیق اعتقادات مردم اهل حق.
- اعتماد به همراهی و حمایت مردم اهل حق از حاکمیت و استفاده از توان بالفعل و بالقوه آنها.
- برنامه‌ریزی اصولی در راستای تقویت بنیه دینی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آنها.
- ترویج تفکرات نورانی حضرت امام خمینی^(ره) و رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه‌ای^(مدظله العالی) در جهت ایجاد وحدت بین اقوام و مذاهب مختلف و از بین بردن اختلافات و ترجیح منافع ملی کشور بر منافع گروهی و قومی.
- سیاست‌های کلان توسعه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور بر اساس رویکرد عدالت اجتماعی اعمال گردد و محرومیت زدایی مناطق مرزی کشور مد نظر قرار گیرد.
- تسریع در روند توسعه مناطق محل استقرار اهل حق در استان کرمانشاه
- نقش اقوام، مذاهب در پیروزی انقلاب اسلامی، ایجاد امنیت پایدار در مناطق مرزی کشور و حماسه هشت سال دفاع مقدس به عنوان افتخارات ملی تدوین و ثبت گردد و چهره‌های شاخص و موثر آنها به جامعه خصوصاً نسل جوان معرفی شوند و نیز مورد تجلیل قرار گیرند.
- اجتناب از برخوردهای سلیقه‌ای در مسائلی چون حقوق اجتماعی، سیاسی و استخدامی (اشتغال).
- احترام به آداب، رسوم و ارزش‌های فرهنگی این جمعیت که اساساً در تضاد با اسلام، فرهنگ و ارزش‌های ملی نیستند.

کتابنامه

- القاضی، مجید (۱۳۷۳). رمزیاری، تهران: انتشارات عطایی.
- امیری، سیاوش، مصطفایی، جواد (۱۳۹۳). سالنامه آماری استان کرمانشاه، کرمانشاه: انتشارات طاق بستان.
- السامری، وفیق (۱۳۷۰). ویرانی دروازه شرقی، ترجمه قارونی عدنان، تهران: انتشارات مرکز فرهنگی سپاه.
- بانک اسناد و مدارک حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان کرمانشاه.
- پورجباری، پژمان (۱۳۹۲). اطلس جغرافیای حماسی ۳ (کرمانشاه در جنگ)، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- جیحون آبادی، نعمت‌الله (۱۳۷۳)، حقل الحقایق (شاهنامه حقیقت)، تهران: انتشارات تهران.
- خدا بنده، عبدالله (۱۳۸۴) شناخت فرقه اهل حق. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- دری، حسن (۱۳۸۳)، اطلس جغرافیای حماسی ۳ (کرمانشاه در جنگ)، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه.
- رضایی‌فر، مهرداد (۱۳۹۵). حماسه بازی‌دراز، تهران: سازمان اسناد و مدارک دفاع مقدس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- شربت، مجتبی و پیری، هادی مراد (۱۳۹۲). آشنایی با علوم و معارف دفاع مقدس، تهران: سمت.
- محمدی، مرادعلی (۱۳۹۸). نقش مردم استان کرمانشاه در حماسه هشت سال دفاع مقدس، کرمانشاه: دانشگاه رازی دانشکده علوم اجتماعی.
- مردوخ، مورخ الدوله (۱۳۳۲). کرد و کردستان، تهران: انتشارات تهران.
- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۱۳۷۲). روز شمار جنگ ایران و عراق، کتاب چهارم، چاپ اول، تهران.
- مرکز اطلاعات ۳۱۳ خُر (۱۳۷۶). پیدایش گروهک مهاجمین، کرمانشاه.
- مهدیخانی گیلانی، مجتبی (۱۳۸۷). بررسی تاثیر جمعیت اهل حق بر امنیت استان کرمانشاه، تهران: دانشگاه امام حسین (ع) دانشکده پژوهشکده علوم دفاعی و امنیت ملی.
- نظری، محسن (۱۳۸۷). بررسی نقش تشکلهای دینی بر ارتقاء توان رزم لشگر چهار بعثت با نگاه به جنگ آینده، تهران: دانشگاه امام حسین (ع) دانشکده پژوهشکده علوم دفاعی و امنیت ملی.

مصاحبه‌ها:

- سردار کوروش آسیابانی، کرمانشاه، ۱۳۹۶.
- سردار رضا شاه ویسی، کرمانشاه، ۱۳۹۶
- برادر حسین فشی، کرمانشاه، ۱۳۹۶.
- سردارخلیل کیانی، کرمانشاه، ۱۳۹۶.

- سردار مرتضی مرادی، کرمانشاه، ۱۳۹۶.
- سردار عبدالرضا مسگریان، تهران، ۱۳۹۶.
- برادر مجتبی مهدی خانی، کرمانشاه، ۱۳۹۶.
- سردار امیر نوحی، کرمانشاه، ۱۳۹۷.
- برادر اردشیر یاری، کرمانشاه، ۱۳۹۶.